



۰۷/۱۱/۲۰۲۲

کانديد اکادمسين سيستاني

## ستمي که نادرشاه برخاندان شاغاسي روا داشت کتر از ستمي نبودکه برخاندان چرخي رفته بود!

خاندان شاغاسي خيل، منسوب به لوی ناب شیردلخان بارکزي پدري علياحضرت سراج الخواتين



وبرادرانش یکی از خانواده های قدرتمند و با اعتبار دولت امیرشیرعلی خان و سلطنت امان الله خان بود که در راه استحکام آن دولت ها از هیچگونه جان فشانی و فداکاری دریغ نوزیده اند. این خانواده که علیاحضرت سرورسلطان مادر امان الله خان بدان تعلق دارد، ارکان عمده دولت امیر شیرعلی خان و رژیم امانی را تشکیل میدادند. اما با سقوط دولت امانی و برون رفتن علیاحضرت از کشور، ستاره اقبال این خاندان نیز افول نمود، و رجال و شخصیت‌های کاردان این خاندان بخصوص در دوره نادرشاه و هاشم خان صدراعظم، به اقسام و انواع بهانه ها و اتهامات زندانی و شکنجه و مصادره و از مال و دارایی خود محروم ساخته شدند.

دانشمندان افغان داکتر سید عبدالله کاظم در یک تحقیق جالب خود میگوید: نادرشاه بعد از اعدام عناصر ضد استعمار و همفکران شاه امان الله از قبیل: محمودلی خان دروازی و مهدی خان چنداولی و غلام نبی خان چرخي و برادرانش، و بزندان انداختن زنان و کودکان خانواده چرخي «بدنبال نابودی یک خانواده بزرگ دیگر وابسته به امان الله افتاد و این خانواده مشهور به "شاغاسي خيل" بود که همه از منسوبين قریب و خون شریک با علیاحضرت سراج الخواتين مادرشاه امان الله غازی بودند. این خانواده بزرگ در واقع صادقانه، با خلوص نیت و بدون کدام توقع خاص برای حمایت از شاه امان الله در امور اداره و لایات افغانستان خدمت میکردند و اتکای قوی برای حفظ سلطنت شاه امان الله محسوب می شدند. اما نادرشاه با وجود خویشی چند جانبه با آنها، از نفوذ گسترده این خانواده در داخل افغانستان هراس داشت و در عین زمان دلیلی در دست نداشت که آنها را مثل دیگران به یک بهانه مورد محاکمه قرار دهد، زیرا آنها در گذشته و حال جرمی را مرتکب نشده بودند. لذا محمدنادرشاه به مقصد دور ساختن آنها از وطن راه دیگری در نظر گرفت، آنها را تبعید یا "نفي البلد" اکثریت مؤثر این خانواده به خارج. او از حکومت هند برتانوی تقاضا کرد تا آنها را با عایله و اطفال در آن سرزمین تحت نظارت قرار دهد. جریده انیس سال ۱۳۰۹ (صفحه ۹ - ۱۱) متن ذیل را به حیث یک اعلامیه دولت به نشر سپرد:

«اشخاصی آتی که محکوم به نفي البلد شدند، باید فوری از افغانستان اخراج و جایداد شان ضبط است: ۱- عبدالحبیب خان؛ ۲- عبدالغفور خان؛ ۳- احمدشاه خان؛ ۴- زبیرخان؛ ۵- امیرمحمدخان؛ ۶- محمد یعقوب خان وزیر دربار سابق؛ ۷- محمد سمیع خان قوماندان سابق؛ ۸- محمدطاهرخان پیش خدمت؛ ۹- محمد عمرخان؛ ۱۰- محمدامین خان با برادران واعمامش؛ ۱۱- عبدالعزیز خان وزیر حربیه سابق؛ ۱۲- عبدالحکیم خان حاکم اعالی سابق سمت جنوبی؛ ۱۳- سکندر خان فراش باشی سابقه با پسرانش نیک محمد و فیض محمد و صالح محمد؛ ۱۴- محمودخان یاور سابقه؛ ۱۵- محمد اسلم خان ولد جرنیل محمداکرم؛ ۱۶- حفیظ الله جنرال قنسل تاشکند؛ ۱۷- میرزا عبدالله

د پانو شمیره: له ۱ تر ۳

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

پاڼونه: دلېکنې د لیکنيزې بڼې پاڼوالې د لیکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راپورولو مخکې په خیر و لولئ

پسر امیر محمد کلاه دوز؛ ۱۸ - میرزا محمد هاشم کور.» (به نقل از کتاب "از عیاری تا امارت"، نوشته عبدالشکور حکم، ص ۵۶۰)

از جمله اشخاص مندرج لست فوق که جمعا بیش از ۲۱ نفر بزرگان هر خانواده میرسید، به استثنای اشخاص شامل (شماره های ۶، ۷، ۸، ۱۰، ۱۶، ۱۷ و ۱۸)، دیگر همه آنها متعلق به خانواده "شاغاسی خیل" مشتمل بر خانواده های برادران و بنی اعمام علیاحضرت سراج الخواتین مادر شاه امان الله غازی بودند. آنها با همه آل و بیت به شمول زنان، اطفال و جوانان اعم از دختر و پسر که تعداد شان به بیش از ۷۰ نفر میرسید، قرار بود به امر محمد نادر شاه "نفی البلد" یا به عبارت دیگر به هندبرتانوی تبعید شوند. برای اكمال مراحل تبعید و حصول موافقت انگلیسها، نخست آنها را از کابل دور کردند و به شهر جلال آباد در یک قلعه کهنه که مثل زندان بود، بطور مؤقت مسکون ساختند. انگلیسها بنا بردلایلی از قبول این خانواده امتناع ورزیدند و حکومت برای هفت ماه، آنها را در گرمای طاقت فرسای تابستان در جلال آباد نظر بند نگهداشت که در اثر گرما و فقدان واریسی لازم صحتی، یک تعداد اطفال خورده سال و پیرزنان و مردان آنها در آنجا فوت کردند. حکومت ناگزیر شد، آنها را به کابل برگرداند و هر یک را در منازل شان نظر بند نگهدارد، در حالیکه بیشترین جای دادهای شان قبلاً از طرف حکومت ضبط گردیده بود. «(داکتر کاظم، نگاهی مختصر به سقوط و عروج خانواده سردار یحیی خان (بخش ۷۹) پورتال افغان جرمن آنلاین)

باید علاوه نمود که در میان رجال نامدار این خاندان، پسران شاغاسی محمد شاه خان، چون یاور محمود خان و شاغاسی عبدالحبیب خان و احمد شاه خان رئیس و عبدالغفور خان و پسران شان و کاکاها، ماماها، و پسران شان و غیره وابستگان آنها که از برخی در زیر نام برده میشود، پس از سقوط رژیم امانی بسیار شکنجه شدند، و بسیار رنج زندان کشیدند و زهر تهمت چشیدند. شاغاسی جیلانی خان، یکی از نوادگان شاغاسی محمد شاه خان که مرد دانسته و کاردانی بود، در یک مصاحبه با مدیر جریده امید چاپ امریکا، سرگذشت غم انگیز خاندان شاغاسی خیل را در عهد نادر شاه و هاشم خان صدراعظم شرح داده بود که من از خواندنش سخت متأثر شدم. بقول شاغاسی جیلانی خان، پس از اغتشاش سفاوی، عبدالحبیب خان یکی از همراهان اعلیحضرت امان الله خان و سردار عنایت الله خان به هند و بعد تا ایتالیا بود، و وقتی نادر خان قدرت را از بچه سقاو گرفت، نامبرده از شاه امان الله و علیاحضرت مادر شاه و ملکه ثریا اجازه خواست و به وطن بازگشت. به مجرد رسیدنش به کشور، نادر خان تمام خاندان شاغاسی را از قبیل وزیر صاحب عبدالعزیز خان و برادرشان عبدالحکیم خان و سکندر خان با پسران شان نیک محمد خان فرقه مشر و صالح جان و غندمشر فیض محمد خان و دیگر برادران سکندر خان از قبیل نایب محمد عمر خان و محمد علم خان، سلطان علیخان و برادرشان نور علی خان، یاور محمود خان و برادرش عبدالغفور خان پدر شاغاسی جیلانی خان، احمد شاه خان، محمد زبیر خان، امیر محمد خان زخمی، سرجن محمد خان و محمد امین خان از کابل به جلال آباد در باغ سراج العماره و دیگر تعمیرات تبعید و تقسیم کرد. چون انگلیسها از پذیرفتن خاندان شاغاسی در هند انکار کردند، ۲۷ نفر خورد و بزرگ خانواده شاغاسی خیل در هنگام تبعید بر اثر شرایط بد زندگی فوت کردند. چندی بعد دولت آنها را واپس به کابل خواست و تمام طبقه ذکور خانواده شاغاسی را به زندان فرستاد. زنان و اطفال در خانه نایب سالار دوست محمد خان و جرنیل خواجه محمد خان در گذرگاه سکونت اختیار کردند. جای دادهای شان همه ضبط گردید. در قلعه شاغاسی عبدالحبیب خان در گذرگاه عساکر سمت جنوبی جابجا شده بودند. وقتی شاغاسی عبدالحبیب خان در زندان فوت کرد، جنازه اش رابه گذرگاه آوردند و دفن کردند. (هفته نامه امید، چاپ امریکا، شماره ۴۳۷، ظهور مشروطیت و قربانیان استبداد، نوشته سید مسعود پوهنیار، ج ۲، ص ۱۲۷)

د پانو شمیره: له ۲ تر ۳

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته راښوای. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې ښې پازوالې د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ

شاغاسی جیلانی خان در ادامه میگوید: پس از واقعه مرگ عبدالحبیب خان، تمام محبوسین شاغاسی خیل از بند رها شدند. جایادهایی ضبط شده دوبرادر شاغاسی عبدالحبیب خان و نایب عبدالغفورخان شاغاسی مشترک بود. از آن جمله، چونی قشله عسکری موجوده قندهار که چهارصد جریب زمین میشد و شترخانه قندهار با باغ آغا و کرنا در ولایت ارزگان.

پس از مرگ شاغاسی عبدالحبیب خان، بر اثر عرض و داد ورثه وی و توسل به نورالمشایخ مجددی، دولت قلعه کلان شاغاسی در گذرگاه را با بیست جریب زمین باغ آن و جایداد های کابل در موسهی چهاردهی و موسهی لوگر، عباس قلی چهار آسیاب و خورد وریزه دیگر در ولایت ارزگان پس داده شد، اما قشله عسکری قندهار و شترخانه در شهر نو قندهار و زمین های کرنا و باغ آگاهه چندین هزار جریب زمین میشد، تحت تصرف دولت تا حالا باقی مانده است. جایداد یاور محمودخان عبارت بود از زریگی و خود قلعه گذرگاه با باغ آن که حکومت محلی چهاردهی در آن مستقر است و مقر ستره محکمه که در دارالامان واقع بود و زمین های پغمان که از طرف دولت ضبط شد و تا اکنون در تصرف دولت قرار دارد. چند روز بعد از ضبط جایداد و دارایی، یاور محمودخان با برادرش محمدزبیر خان دوباره زندانی گردیدند.

شاغاسی جیلانی خان می افزاید که: با قتل نادرشاه از طرف عبدالخالق، غندمشر فیض محمدخان سکندر برادر کلان داکتر نظر محمد سکندر زندانی شد و همچنان اسحاق جان شیردل و امانجان شیردل متعلمین مکتب نجات به اتهام قتل نادرشاه به زندان سپرده شدند. در ۱۳۲۵ (۱۹۴۶) بعد از ۱۳ سال حبس در وقت صدارت شاه محمودخان، آنها با یاور محمودخان و محمدزبیرخان از زندان و بندیکانه رها شدند. (هفته نامه امید، چاپ امریکا، سال ۲۰۰۰ شماره ۴۳۷)

درسی که از این رخداد تاریخی میتوان گرفت این است که خانه ظلم خرابست و هیچ ظالمی تا آخر باقی نمی ماند. نادرخان هم نتیجه ظلم خود را دید و در اوج قلع و قمع عناصر ملی و هواداران شاه امان الله تو سب یک جوان هزاره بنام عبدالخالق در داخل ارگ شاهی کشته شد اما متأسفانه که با مرگ مستبد باز هم استبداد تا ۱۳ سال دیگر بوسیله هاشم خان برادر نادرشاه ادامه یافت. تا آنکه در ۱۳۲۵ با رویکار آمدن شاه محمود خان استبداد روبه کاهش نهاد.

اینک از زبان شاغاسی حُسن بارک، مطلع گردیدیم که بعد از استبداد نادرشاه بر این خانواده در ۱۳۰۹ ش (۱۹۳۰)، جایادهای مصادره شده خانواده شاغاسی خیل از طرف محکمه امارت اسلامی در سال ۲۰۲۲ به ورثه شان مسترد گردیده است. اودر کامنتی در زیر همین مقاله مینویسد: «جهت مسترد کردن زمین ها و جایادهای خاندان شاغاسی خیل از زمان جمهوریت تلاش ها جریان داشت و با از بین رفتن جمهوریت، در سال ۲۰۲۲ بخش از جایادهای مسترد شده شامل: زمینهای تایباغ (باغ آغا) و کرنا در ارزگان و بخشی از زمینهای ارغستان در قندهار میباشد، اما زمینهای چونی عسکری در شهر نو قندهار و شترخانه در مرکز قندهار و زمینهای پغمان در کابل و موسهی در لوگر و زمینها و جایادهای دیگر خانوادگی خاندان شاغاسی خیل از زمان استبداد نادری تا کنون در تصرف دولت است. باحُرمت»

درباره خاندان شاغاسی خیل و خدمات جانبازانه اعضای این خاندان، من در کتاب دیگرم زیر عنوان «سه مقاله تاریخی درباره سه خاندان تاریخی قندهار» معلومات مفصلی داده ام، علاقمندان میتوانند به آن کتاب رجوع کنند. پایان